

بسمه تعالی

پاسخ آیت الله العظمی منتظری به پرسش هایی پیرامون تشکیک درباره کتاب خاطرات معظم له



شك نكنيد خاطرات از خود من است و كسي القاء هم نكرده است .
من وقایع نگار آقایان نبودم حتي وقایع نگار آیت الله خمینی هم نبودم .
بعضی از چیزها که به نظرم نسبت به اشخاص تند بود بسا من ذکر نکرده ام ، لذا
گفته ام بخشی از خاطرات .
آیت الله خمینی هم استادم بوده و هم به ایشان علاقه داشته و علاقه دارم و ایشان
را آدم شجاعی می دانستم ولي مصون از خطا نمی دانستم .
این برخوردهایی که آقایان دارند و خیال می کنند سرمان را زیر برف کردیم دیگر
کسی ما را نمی بیند اشتباه می کنند.
سخنرانی ۱۳ رجب مطالب حقی بود که گفته ام و آقایان برخورد بدی کردند؛ آن
سخنرانی از افتخارات من است

اشاره :

"خاطرات آیت الله العظمی منتظری طی سالهای ۷۶-۷۴ توسط ایشان بیان شد و پس از طی مراحل فنی در سال ۱۳۷۹ برای اولین بار بر روی شبکه اینترنت قرار گرفت . از همان روز انتشار با توجه به اهمیت مطالب طرح شده در آن و ساختار شکنی حاکم بر آن که بر اساس برخی اسناد و مدارک و ناگفته هایی که از زبان معظم له مطرح شد تاکنون با فراز و نشیب های فراوانی روبرو بوده است و افراد، گروهها، نهادها و برخی جراید مخالف آن ، پس از آن که از نقد محتوایی آن به عقیده خود فارغ شدند این روزها و به ویژه با تولد برخی نشریات جدید بر آن شده اند که اصل انتساب آن را به آیت الله العظمی منتظری مورد خدشه قرار داده و آن را ساخته و پرداخته اطرافیان بدانند یا اگر آن را منتسب به ایشان بدانند مطالب آن را القاء شده از سوی اطرافیان قلمداد نمایند!" "گاهنامه اطلاع" در پس این شبهه افکنی ها بر آن شد که علی رغم تأکیدات قبلی ایشان مبنی بر این که خاطرات از خود ایشان است و کسی هم القاء نکرده است ، مجددا جهت رفع جوسازی های پر دامنه اخیر این شبهه را مجددا طرح و از ایشان بدون پروا استفسار نماید. آنچه در پی می آید متن کامل این پرسش و پاسخ است."

اطلاع : با تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید؛ این اواخر شنیده شده برخی رسانه ها مطرح می کنند که خاطراتی که از شما منتشر شده از طرف شما نوشته نشده است بلکه برخی از افراد به اسم شما انجام داده اند.

آیت الله منتظری :

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

بعضی آقایان دلشان می خواهد مثل برخی وقایع نگاران سلاطین ، مطابق میل همان پادشاه وقایع را منعکس کنند، حالا حق باشد یا باطل ! جوری که او خوشش آید. وقایع نگاران معمولا این جورند. و لذا تاریخ هایی که نویسنده آنها همین وقایع نگاران سلاطین بوده اند صددرصد اعتماد به آنها مشکل است ، به همین جهت که اینها نوعا رضایت خاطر همایونی آن شخص را در نظر می گرفتند.

حالا هم آقایان دلشان می خواسته من چنانچه خاطراتی از انقلاب دارم مطابق میل آنها بنویسم و وقایع نگار آقایان باشم ! در صورتی که آزادانه سؤالاتی از من کردند و جواب دادم و همه اش مربوط به خود من است . همان اول کتاب خاطرات هم هست اگر کسی مراجعه کند؛ از اول گفتم برای این که تاریخ تحریف می شد اقدام کردم و آنچه در ذهن من بود گفته و نوشته ام . من ادعای عصمت نمی کنم اما این که دو مورد که تذکر دادند، در جوابی که به آقای مصطفی ایزدی دادم آن دو مورد ذکر شده و جزئی بود پس سؤال از من شده و من هم جواب دادم . (۱) بعد هم چند مرتبه خودم مراجعه کردم اگر به نظرم جایی اصلاح لازم بوده است انجام دادم ؛ و از باب این که بعضی چیزها ممکن بود به اشخاص بر بخورد، لذا از برخی خاطرات صرف نظر کردم ؛ چنانچه اول آن کتاب هم نوشته ام "بخشی از خاطرات". اطلاعاتی راجع به اشخاص داشتم نخواستم افشاگری کنم . آنچه مورد توجه من بود [این بود] که آنچه واقعیت دارد و مربوط به انقلاب است یادداشت کنم . با این که مرحوم آیت الله خمینی این اواخر با من خوب برخورد نکرد من هیچ

وقت نسبت به ایشان اهانت نکرده ام . البته آقایان دلشان می‌خواهد آقای خمینی را در حد يك امام معصوم برسانند؛ خود آیت الله خمینی هم چنین ادعایی نداشت . ایشان مردی بود متدین ، مجتهد و انقلابی اما معصوم از خطا نبود.

آقایان هر که را بخواهند از حواریون ایشان حساب می‌کنند، به عقیده من هیچ کس به اندازه من مربوط به ایشان نبوده است و ارتباط با ایشان نداشته است . من و فرزندم [شهید محمد] و تمام خانواده و فرزندانم به انقلاب و ایشان خیلی خدمت کردیم و قصدمان هم خدا بود که انقلاب پیروز شود، که الحمدلله هم پیروز شد. آقایان پس از آن که آیت الله خمینی از دنیا رفته است دارند يك آیت الله خمینی درست می‌کنند که خودشان به برکت ایشان به مقاصدشان برسند، با این که می‌دانند ایشان دیگر رهبر انقلاب نیست [و] خواهی نخواهی مرگ همه را فرا می‌گیرد [حتی] آیت الله خمینی را. خدا پیامبر(ص) را در قرآن خطاب می‌کند که : (انك ميت و انهم ميتون). بنابراین خاطرات نوشته شده [را] از من سؤال کردند، من جواب دادم ؛ بعدا [هم] مراجعه کردم . اول کتاب هم گفته ام برای این که تاریخ از تحریف مصون باشد مطالبی را ذکر می‌کنم ، و پایان آن هم از کسانی که سوالها را مطرح کردند تشکر کردم .

بالاخره هرچه در آن کتاب هست مربوط به اینجانب است ؛ منتها مطابق میل آقایان بسا نباشد و من وقایع نگار آقایان نبودم حتی وقایع نگار آیت الله خمینی هم نبودم . به آیت الله خمینی علاقه داشتم ، شاگردش هم بودم ، از ایشان استفاده هم کردم ، آدم خوبی هم بود، اما معصوم نمی‌دانستم . آنچه که به نظرم رسید در خاطرات یادداشت کردم . و خاطره نویسی تقریباً پس از این خاطرات خیلی گل کرد و خیلی ها خاطره نویس شدند ولی واقع مطلب این است همان واقعیاتی را که اطلاع داشتم بدون این که بخواهم کسی را تحقیر کنم یا اهانت کنم [آوردم] . حتی عرض کردم بعضی از چیزها که به نظرم نسبت به اشخاص تند بود بسا من ذکر نکرده ام ، لذا گفته ام بخشی از خاطرات .

پس تشکیک هایی که آقایان می‌کنند توجه کنند شما دارید قلب واقعیات می‌کنید مردم هم می‌فهمند؛ و کارهایی که شما می‌کنید مثل "مستند روح الله" و امثال آنها، اینها چنین نیست که صددرصد به نفع آیت الله خمینی باشد. اینها به ضرر اسلام و انقلاب و همچنین آیت الله خمینی است ؛ برای این که چه بسا مردم بگویند شاید نسبت به معصومین هم نکند مثل همین چیزهایی [و روشی] است که آقایان دارند نسبت به آیت الله خمینی ذکر می‌کنند. جوانها که آیت الله خمینی را ندیده اند اما پیرها آیت الله خمینی را دیده بودند. روابط ما با ایشان را همه می‌دانند، همه می‌دانند که من در متن انقلاب بودم ؛ چه بسا حالا می‌خواهند يك داستان را برای کسی بنویسند اسم مرا هم نمی‌نویسند و سانسور می‌کنند؛ مردم که می‌دانند و می‌گویند پس معلوم می‌شود آن داستانهایی که نسبت به انمه (ع) می‌گویند آنها هم همین جوری است و انتخابی است و هرچه خواستند می‌گویند و مطابق میلشان [تاریخ را] می‌گویند. و اینها به ضرر آیت الله خمینی و به ضرر اسلام است . من عقیده ام این است که مؤسسه نشر آثار امام باید اعتراض کنند به این جور چیزها و سوء استفاده هایی که از امام می‌کنند. و وسیله قرار دادن ایشان و نام ایشان برای اغراض سیاسی آقایان در حقیقت اهانتی به ایشان است . ایشان را نباید ابزار اغراض سیاسی خودشان قرار دهند. و متأسفانه این جوری شده است . و الا همه می‌دانند آیت الله خمینی هر چه بودند از دنیا رفته اند و دیگران دارند کشور را اداره می‌کنند؛ پس غرضشان این است که نام ایشان را ابزار قرار دهند و به برکت ایشان يك چیزهایی را درست کنند و يك عده را بکوبند. ما هم الحمدلله از اول که در صحنه بودیم بنا نبود اسممان باشد. هرچه انسان مسئولیت نداشته باشد بهتر است چون پاسخ گویی دارد. بنابراین من شکر خدا را هم به جا می‌آورم که مسئولیتی در مقابل کارها ندارم . ولی مردم قضایا را می‌دانند و این جور که شما مستندسازی می‌کنید مطابق میلتان ، هم به ضرر آیت الله خمینی و هم به ضرر اسلام است و مردم نسبت به همه چیز بدبین می‌شوند.

پی نوشت : (۱) : الف - کتاب خاطرات ، صفحه ۴۰۷ ، سطر ۱۶ که کلمه "رضا" "حسین" نوشته شده بود و تصحیح شد. ب - آخر صفحه ۵۹۰ ، و جریان نماز پشت سر آقا که تصحیح شده است .

اطلاع : برخی آقایان می‌گویند خاطرات مال شماست ولی بر اساس حرفهای دروغی بوده که اطرافیان شما به شما گفته اند و شما بر اساس آن اطلاعات اشتباه این حرفها را بیان کرده اید!

آیت الله منتظری:

اگر همگی کتاب خاطرات را مطالعه کنید عمده اسنادش است . اسناد را که آنها نمی‌توانند حاشا کنند. نامه های آیت الله خمینی ، نامه های این جانب ، نامه هایی که به افراد نوشته ام ، اینها را که نمی‌شود حاشا کرد. عمده خاطرات هم همین اسنادی است که در آن هست ، ۲۵۵ سند است . اینها کدامش دروغ است؟! آقای گفته بود خاطرات فلانی سرتاپایش دروغ است . آیا اینها همه اش افتراء است؟ ۲۵۵ سند است که خیلی هایش خط آیت الله خمینی یا دیگران است ، چه داعی دارند که اینها را دروغ و افتراء و القانات بدانند؟! من خاطرات و واقعیات و نه القانات را نوشته ام ؛ آیت الله خمینی هم استادم بوده و هم به ایشان علاقه داشته و علاقه دارم و ایشان را آدم شجاعی می‌دانستم ولی مصون از خطا نمی‌دانستم ، خود ایشان هم خودشان را مصون نمی‌دانستند. خود آیت الله خمینی در وصیتنامه شان

گفته اند هر چه به من نسبت دادند، یا صدای من باشد یا خط من؛ حال چیزهایی به ایشان نسبت می‌دهند که نه با خط ایشان مناسب است نه صدای ایشان است. عرض کردم ایشان دیگر محل ابتلاء مردم نیستند، آن که محل ابتلاء مردم است آقایان [فعلي] هستند که امام را ابزار سیاسی خودشان کرده اند و برای خودشان چانه زنی می‌کنند.

اطلاع: بحثی را از آقای مهدوی کنی مطرح کردند در مصاحبه ای که اخیراً داشته اند و گفته اند: "اشکال آقای منتظری این بود که به مقتضای قائم مقام رهبری عمل نمی‌کردند، مثلاً امام اعلام کردند نهضت آزادی را راه ندهید و کسی که قائم مقام است بگوید خیر راه بدهید. این تضاد در حکومت ایجاد می‌کند." خواستم بدانم استنباط شما درباره قائم مقامی چه بود؟

آیت الله منتظری:

اولاً من نخواستم مرا قائم مقام قرار دهند؛ و آقایان می‌دانند خبرگان که مرا قائم مقام قرار داد من خودم به آن اعتراض کردم و نامه ای نوشتم که این کار، کار اشتباهی بوده است. من به هیچ وجه مایل نبودم که مرا به عنوان قائم مقام قرار دهند.

[ثانیاً] من هم بشری بودم که درس خوانده بودم و اطلاعات داشتم. معنی قائم مقامی یعنی بز اخفش و هیچ نگویید گرچه اشتباه در بین باشد؟! اصلاً قائم مقام باید اشتباهات آن رئیس را بگوید، برای این که نمی‌شود بز اخفش باشد و رئیس هر چه گفت او ساکت باشد. من قائم مقام هستم یعنی نزدیک به رهبر و اگر اشتباهاتی هست باید تذکر بدهم و الا خیانت است. تو که قائم مقامی، نزدیک رهبری و تو می‌توانی حرفها را بزنی. امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد و وظیفه انسان است، و من تذکراتی که می‌دادم همه را به نفع اسلام و انقلاب می‌دانستم؛ حالاً يك عده آنها را به ضرر خودشان می‌دانستند و قدرت دست آنهاست هر چه می‌خواهند بگویند، خب بگویند! چون واقعیات با این گفته ها از بین نمی‌رود، مردم هم واقعیات را می‌فهمند.

شبی نزد مرحوم امام راجع به مرحوم آقای شریعتمداری صحبت می‌کردم و گفتم: آقا! ۵۰ سال دیگر بالاخره تاریخ قضاوت می‌کند که حاج آقا رضا صدر را که [آقای شریعتمداری] وصیت کردند بر او نماز بخواند نگذاشتند نماز بخواند. او این ماجرا را نوشته و در دسترس هم هست. توی تاریخ هم هست؛ گرچه ۵۰ سال دیگر می‌گویند آقای خمینی به يك مرجع که رقیبش بود حتی نگذاشت نماز بخواند. [این را] به ایشان گفتم. پس واقعیات را باید گفت؛ آنهایی که انجام نمی‌دهند گناه می‌کنند.

اطلاع: به نظر شما خود مرحوم امام خمینی روش شما را می‌پسندید که شما همیشه مؤید نباشید؟

آیت الله منتظری:

نمی‌دانم در ذهن ایشان چه بوده، از اول من احتمال نمی‌دادم که خیال کنند من می‌خواهم علیه ایشان کاری انجام دهم. من و ایشان به طوری با هم مربوط بودیم که شبی که آیت الله بروجردی از دنیا رفت بحرانی بود. شب با ایشان نماز مغرب و عشا را در خانه ایشان خواندم و دو سه ساعت با ایشان صحبت کردم، حتی راجع به مرجعیت و مراجع آینده. حتی راجع به آقای حکیم که ایشان گفتند من آقای حکیم را ندیده ام اما اگر مقام علمی ایشان تنها مستمسک [العروة الوثقی] باشد خیلی مهم نیست، اگر علم ایشان در حد این کتاب باشد خیلی مهم نیست. آن شب يك نفر نیامد در خانه ایشان را بزند و راجع به مرجعیت از ایشان سؤال کند. فردا صبح رفتم محله عربستان قم، خانه آقای گلپایگانی، قبلاً آنجا خانه داشتند، جمعیت آمده بودند با سلام و صلوات ایشان را ببرند فاتحه آقای بروجردی. جو این بود، با ایشان من مأنوس و مربوط بودم. ایشان جوری بود که در مجلسی [که می‌نشست] خیلی ابهت داشت و همیشه روزهای عید که افرادی دیدن ایشان می‌آمدند همین طور نشسته بود، همه منتظر بودند که من بروم و احياناً يك شوخی بکنم سپس مجلس خودماتی می‌شد. اینها را همه می‌دانستند و ما نسبت به ایشان خودی حساب می‌شدیم و مطالب را می‌گفتم. هم خود هم خانواده ام به ایشان و انقلاب خدمت کردیم. این آقایانی که حالا ادعا می‌کنند که از حواریون بودند هیچ کدام به اندازه من نزدیک به امام نبودند.

من یادم است خلخال تبعید بودم. روزی لباسهایمان جمع شده بود می‌خواستیم بشوییم. کنار نهر آبی رفتیم. خانواده می‌شست و من آب می‌کشیدم. آقای هاشمی رفسنجانی برای این که دسترسی به امام نداشت و می‌خواست وجوهاتی را اجازه بگیرد و در راهی مصرف کند آن راه طولانی را تا خلخال آمده بود و سراغ من را گرفته بود. از راه که رسید گفت: کارت به لباس شویی رسیده است! و خلاصه آمده بود اجازه پولی را بگیرد برای مصرف. یعنی [در آن زمان] پس از امام من را رهبر انقلاب می‌دانستند. حالا بعضی هر چه خواستند گفتند و خواسته اند مرا به طور کلی از صحنه حذف کنند حالا نشده است.

از باب مثال در يك مجله اي ديدم كسي گفته است در جامعه مدرسین يك جلسه ۱۱ نفر داشتیم كه نام آقای مصباح يزدي و آقای هاشمي رفسنجاني در آن هست . اسم همگي را آورده اند و نوشته اند ۱۱ نفر بوده اند اما ۱۰ نفر را اسم برده اند. با این كه من هم جزو آن جلسه بودم اسم من را حذف کرده اند. آخر این چه جور برخوردی است . من با این جور چیزها بزرگ نمی شوم ولي این سبكي شما را می رساند. این قدر سانسور كه يك جلسه ۱۱ نفری را كه من هم جزوش بودم اسم ۱۰ نفر را می آورند و اسم من را حذف می كنند.

اطلاع : نقدي كه بر خاطرات وارد می كنند این كه آقای منتظري با انتشار خاطرات باعث شده است خوراك براي بيگانگان تهیه شود عليه انقلاب و عليه نظام

آيت الله منتظري :

يعني هيچ حرف حقي را انسان نبايد بزند! ما حرف حق زدیم . خود آقای خميني در پاریس كه بود با رادیوهای خارجي مصاحبه می كرد. از من هم بعضي مسائل را سؤال کرده اند من هم جواب داده ام . دنیا الان به هم مربوط شده است ، يك دهكده جهاني شده است . حرفها منعكس می شود. من هم نگویم ديگری می گوید. این برخوردهایی كه آقایان دارند و خیال می كنند سرمان را زیر برف كردیم ديگر كسي ما را نمی بیند اشتباه می كنند. تمام حوادث كه در ایران می گذرد مثل بازداشتهاي بيجا [منعكس می شود]. كسي آمده مطالبی را گفته است راجع به افرادی ، نبايد بازداشتش كرد؛ بلكه آن مسائل را بايد جبران كرد. نه این كه يك عده ديگر را بازداشت كنیم كه چرا این حرفها را گفته اید و واقعیات را گفته اید. دنیا به هم مربوط است . رادیو، تلویزیون ، اینترنت و ماهواره [هست] . آقایان خیال كردند سر زیر برف کرده اند ديگر كسي آنها را نمی بیند. از من هم يك واقعیاتی را سؤال كردند من هم جواب گفته ام .

اطلاع : در ایام ۱۳ رجب هستیم ، احساس شما از سخنرانی ۱۳ رجب (آبان ماه ۱۳۷۶) چیست ؟

آيت الله منتظري :

سخنرانی ۱۳ رجب مطالب حقي بود كه گفته ام و آقایان برخورد بدی كردند. آن سخنرانی از افتخارات من است . آقایان مایلند مطابق میل آنها وقایع منعكس شود و تاریخ را بیان كنند. همیشه این جور بوده است . آقایان می گویند چرا این جور شده است و يك واقعیاتی كه خلاف میل ماست منعكس شده است . والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

دفتر آيت الله العظمي منتظري

۱۵/۵/۱۳۸۷

منبع: سایت آقای منتظری